

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۰۵

ورزشی

خبر

انتقاد پوزوویچ از سیاست متفاوت یوفا نسبت به رژیم صهیونیستی و روسیه

این مافیاست



میویدراک پوزوویچ، سرمربی سابقه‌ا اهل مونته‌نگرو، در گفت‌وگو با اسپورتر اکسپرس روسیه درباره تجربه‌اش در فوتبال ایران و دیدگاهش درباره وضعیت روسیه صحبت کرد. پوزوویچ که سابقه هدایت تیم‌هایی چون ام‌کار، لکوموتیو و دینامو مسکو را دارد، سال ۲۰۲۴ هدایت نفتچی را برعهده گرفت و سپس وارد لیگ برتر ایران شد و روی نیمکت استقلال خوزستان و استقلال تهران نشست.او درباره کارش در ایران گفت: «لیگ برتر ایران بسیار سخت و رقابتی است. در این لیگ ۵-۶ تیم همیشه برای قهرمانی مبارزه می‌کنند. هدایت بزرگ‌ترین باشگاه ایران، استقلال، به من سپرده شد؛ تیمی که همانند اسپار تاک در روسیه، میلیون‌ها هوادار دارد. متأسفانه نتوانستم در مدت کوتاه نتایج دلخواه را کسب کنم.» او از کیفیت بالای فوتبال‌یست‌های ایرانی نیز تمجید کرد و گفت بسیاری از بازیکنان جوان ایرانی می‌توانند در آینده به لیگ‌های بزرگ اروپا راه یابند. پوزو درباره زندگی در ایران افزود: «تهران شهری بسیار زیباست. مردم ایران مثل روس‌ها میهمان‌نواز هستند و ترافیک سنگینش مرا یاد مسکو می‌اندازد.»

در بخش دیگری از مصاحبه، پوزوویچ به موضع خود درباره بازگشت روسیه به صحنه بین‌المللی پرداخت. او با اشاره به تجربه درناک کشورش، یوگسلاوی سابق گفت: «دور کردن روسیه از میدان ورزشی تصمیمی کلاما سیلی است. فوتبال باید ملت‌ها را به هم نزدیک کند، نه جدا. اما امروز یوفا شعار جدا بودن ورزش از سیاست را تکرار می‌کند، در حالی که در عمل، آن را زیر پا می‌گذارد.»

او سیاست‌های یوفا را به‌شدت نقد کرد و افزود: «چطور ممکن است اسرائیل در رقابت‌ها حضور داشته باشد اما روسیه محروم شود؟ این کاملاً دوگانگی است! این مافیای فوتبال است.اما من مطمئناً روسیه باز خواهد گشت و دوباره پیروز خواهد شد.»

لیگ قهرمانان

پاریس در لندن توفان به پا کرد
دمبله و پی‌اس‌جی یک قدم تا فینال



در شبی هیجان‌انگیز و پرتنش در ورزشگاه امارات، پاری‌سن‌ژرمن با نمایشی حساب‌شده و گلی زودهنگام از عثمان دمبله، آرسنال را با نتیجه ۱-۰ شکست داد تا نسیمی از راه صعود به فینال لیگ قهرمانان اروپا را طی کند.

آغاز مسابقه گذشته بود که عثمان دمبله، ستاره بی‌بدیل این فصل PSG، با حرکتی سریع و ضربیه‌ای دقیق، دروازه دیوید رابسا را باز کرد. دمبله که یکی از مدعیان اصلی توپ طلای اسمال به‌شمار می‌رود، بار دیگر تأثیر خود را در بزرگ‌ها به نمایش گذاشت و هواداران میزبان را در سکوتی سنگین فرو برد.

پاریسی‌ها نیمه اول را با برتری مطلق در میانه میدان و حملاتی برق‌آسا ادامه دادند. همکاری خوب ویتینیبا، فابین رویز و نونومنذر در خط میانی، نظم تاکتیکی PSG را شکل داده بود و حملات‌شان بارها مدافعان آرسنال را سرگردم کرد. مارکینیوش دقیقه ۱۴ می‌توانست با ضربه سری دقیق، گل دوم را به ثمر برساند اما رایا واکنش خوبی نشان داد.

خوپیا کواراتسخلیا، وینگر سرعتی و تکنیکی PSG نیز بارها از جناح چپ دفاع آرسنال عبور کرد و چند موقعیت خطرناک خلق کرد. دقیقه ۳۱ نیز «زیره دود» با شوتی تماشایی دروازه آرسنال را تهدید کرد که باز هم رایا با واکنشی استثنایی، بیش از نجات داد. با وجود برتری قاطع پاریسی‌ها، آرسنال در واپسین دقایق نیمه اول نخستین فرصت جدی‌اش را به دست آورد؛ گابریل مار تینتیلی با حرکتی انفجاری از سمت چپ، ضربه‌ای روانه دروازه کرد اما جان لوتینیچی دونروما درون دروازه PSG سد بزرگی برای توپچی‌ها بود.

در آغاز نیمه دوم، شاگردان میکِل آرتتا با چهره‌ای متفاوت به زمین بازگشتند و دقیقه ۴۷ توانستند دروازه PSG را باز کنند. مرینو با ضربه سری زیبا گل تساوی را به ثمر رساند اما پرچم داور بالا رفت و گل به دلیل آفساید مردود شد.

آرسنال که حالا برتری بیشتری نسبت به نیمه اول داشت، بار دیگر دقیقه ۵۵ تا آستانه گل تساوی پیش رفت؛ این بار لاندرو و ترسار از جناح چپ نفوذ کرد و با شوتی محکم دروازه را هدف گرفت اما دونروما با واکنشی درخشان مانع گل شد.

پس از این حملات، بازی تا حدی متعادل تر شد و لوئیس انریکه سرمربی PSG با تعویض‌های هوشمندانه، کنترل بازی را در دست گرفت. در دقایق پایانی، آنها حتی ۲ موقعیت جدی دیگر داشتند؛ نخست ضربه بارکولا که از کنار دروازه بیرون رفت و سپس شوت خطرناک گونسالو راموس که به تیر افقی برخورد کرد.

در نهایت، گل زودهنگام دمبله نتیجه را مشخص کرد و PSG موفق شد با حداقل اختلاف، لندن را فتح کند. حالا همه نگاه‌ها به چال برگشتند در پارک دو پرنس معطوف شده، جایی که آرسنال باید معجزه‌ای برای صعود رقم بزند و شاگردان انریکه در تلاش برای تکمیل مأموریت خود و رسیدن به فینال هستند.

چرافوتبال ایران به بازیکنان زیر ۲۳ سال روی خوش نشان نمی‌دهد

چند جوان لیگ پیرمردها



به ساق‌های او دوخته‌اند؛ شاید همین جوان جسور، قوی سفید انزلی را به قهرمانی جام حذفی برساند.

■ **سرزمین پیرمردها**
ایران توانستند گلی از زمین برویاند. بقیه یا در حاشیه گم شدند یا پیش از آنکه حرقه بزنند، خاموش گشتند. افسوس که در لیگی که باید خاستگاه پرندگان جوان باشد، هنوز هم بیشتر به پروازهای پیرمردها دلخوشیم. شاید روزی برسد که فوتبال ایران هم در آغوش جوانی از نو جان بگیرد. تا آن روز، به این ۴ نام باید دل بست. چارانش یک چیز است؛ ریسک مربیان، مردانی که ترسو شده‌اند و نیمکت‌دوستا!

است. ۸ گل زده، ۵ پاس گل داده و هر بار که توپ را لمس می‌کند، عطری از امید در هوا پراکند می‌شود. هاشم‌نژاد به بلوغی رسیده که پیش از این تنها حرقه‌های آن را می‌دیدیم، حالا تراکتور به پشتوانه تکنیک و شم گلزنی این وینگر دوسری، سودای روزهای بزرگ را دارد.

■ **جواهر در انزلی**

در پایان، باید نام کوچک‌ترین جواهر این فهرست را به زمره نوشت: رضا غندی‌پور، پسر ۱۹ ساله بهبهان، مهاجم ملوان. غندی‌پور آنقدر درخشان شروع کرد که همه را به تحسین واداشت. هرچند میانه راه کمی لغزید و مازیار زارع، سرمربی ملوان، ناچار شد او را راسر جایش بنشاند. اما این جوان باز برخاست و با ۷ گل زده، نمایش را در دهان‌ها انداخت. ملوانی‌ها چشم امید

ترکیب اصلی دوخت. زارع که روزگاری لباس امیدهای استقلال را بر تن داشت، امروز ستون مستحکم خط دفاع گل‌گهر شد. ۱۴ کلین‌شیت و ثبت بهترین رکورد دفاعی لیگ، دست‌نرخ مردانگی او و هم‌تیمی‌هایش است. صدای زمزمه‌های نقل‌وانتقالاتی هم به گوش می‌رسد؛ تیم‌های بزرگ‌تر برای شکار این مدافع جوان دندان تیز کرده‌اند.

■ **جوان اول تیم قهرمان احتمالی**

اما شاید درخشان‌ترین ستاره این شب‌های خاکستری مهدی هاشم‌نژاد باشد. بازیکنی که وقتی در نفت مسجدسلای مان قدم به زمین گذاشت، کسی چندان او را جدی نگرفت اما حالا، در تراکتور، مثل تیری ره‌اشده از کمان در خط حمله می‌تازد. با ۱۳ اثرگذاری روی گل‌ها، فقط یک نفر در لیگ از او بهتر بوده

اسکوچیچ: مردی که با لبخند جدول را فتح کرد

پیش‌تاز همه مربیان

می‌برد. انگار تراکتور بالاخره در سکوت مردی بی‌ادعا، خودش را پیدا کرده باشد.

پشت سر او، ردپای مربی‌ای پیداست که دیگر نیست؛ ژوزه مورایس، مرد پر توانی سیاهان. تیمش را صدرنشین تحویل داد و رفت، با میانگین امتیاز ۲.۲۲. کارتون جاشین او شد اما آن برق اولیه را نتوانست حفظ کند. با ۲.۰۷ امتیاز در هر مسابقه، کارش قابل دفاع است، ولی سیاهان، تیمی است که به کمتر از اوج راضی نمی‌شود.

در ده‌های بعد، مربیانی قرار دارند که شاید باهوش بودند، ولی ابزارشان کافی نبود. یحیی گل‌محمدی، اسماعیل کرمانلی و جوان کارلوس گاریدو، هر ۳ در محدوده ۱.۷ تا ۱.۸ امتیاز در هر دیدار ایستادند؛ آنقدر خوب که زنده به‌مانند اما نه آنقدر که فاجع باشند.

استقلال، تیمی که هر فصل قصه‌ای تازه می‌نویسد، این‌بار بیشتر شبیه یک رمان پرشخصیت بود. مربیان زیادی آمدند و رفتند اما فقط سهراب بختیار ی‌زاده توانست میانگین قابل‌قبولی یعنی ۱.۷۵ را ثبت کند. بقیه، اسیر حاشیه شدند. اما پایین جدول، ماجرای دیگری در جریان است؛ منطقه‌ای که امید مثل شمع در باد است. ساوو میلوشوویچ، مردی که به قائمشهر آمد تا نجات بیاورد، خودش غرق شد. با



اسکوچیچ، او نه وعده داد، نه با واژه‌ها بازی کرد. فقط تیم ساخت، آرامش آورد و حالا با لبخندی محو، در صدر جدول ایستاده، درست مثل تیمش.

لیگ بیست‌وچهارم نه فقط به‌خاطر گل‌ها و جنجال‌ها که به‌واسطه کوچ‌های پر تعداد روی نیمکت‌ها، فصلی پر آشوب بود. نسیمی از تیم‌ها در طول فصل، مربی عوض کردند. بعضی‌ها حتی ۲ بار؛ استقلال در رکوردی بی‌سابقه ۶ بار! در چنین فصلی، ثبات خودش حکم طلا دارد و تراکتور بعد از سال‌ها بی‌قراری، برای نخستین بار از لیگ شانزدهم تا امروز، با یک مربی فصل را شروع کرد و دارد به پایان می‌برد. نتیجه؟ تیمی یکدست، امیدوار و در آستانه قهرمانی.

اسکو در این غوغای جابه‌جایی‌ها، مثل کوهی آرام ماند و با میانگین ۲.۲۶ امتیاز در هر بازی، بهترین مربی فصل لقب گرفت. او تیمی ساخت که نه فقط می‌برد، بلکه باهوش

چگونه ترفند دلال‌ها و فریب مدیران باعث افت کیفی فوتبال ما شده است؟

فروش ستاره‌با نخاله

بازیکن معروف را نشان می‌دهند اما شرط می‌گذارند که چند بازیکن گمنام و بی‌کیفیت را هم به عنوان پیوست، به باشگاه قالب کنند. به زبان ساده، دلال‌ها باشگاه‌ها را مجبور می‌کنند برای رسیدن به یک ستاره چند بازیکن بُنچِل را هم با قاراردادهای سنگین جذب کنند. این تجارت ناصواب نه‌تنها تیم‌ها را از لحاظ فنی ضعیف می‌کند، بلکه منابع مالی باشگاه‌ها را نیز به طرز فاجعه‌باری به باد می‌دهد.

در فوتبال دنیا، ایجنت‌ها نقش مهمی دارند. آنها باید با مجوزهای رسمی، واسطه‌ای سالم میان باشگاه و بازیکن باشند. اما در فوتبال ایران، «ایجنت‌بازی» بیشتر به یک تجارت زیرزمینی شباهت پیدا کرده است. بسیاری از این واسطه‌ها، بدون اینکه کم‌ترین اعتباری از فیفا یا فدراسیون داشته باشند، پشت میز مذاکرات می‌نشینند و مهره‌های خود را به تیم‌ها تحمیل می‌کنند.



علیرضا دارابی

به نفس هم می‌دوند، پشت پرده فوتبال

ایران اتفاقاتی در جریان است که صدای هر فوتبال‌فهمی را درمی‌آورد. بازار نقل و انتقالات این روزها بیشتر شبیه یک میدان بی‌قانون است؛ جایی که دلال‌ها ساز خود را می‌زنند و جیب باشگاه‌ها را با شیوه‌هایی عجیب و غریب خالی می‌کنند.

در قلب این آشفته‌بازار، سناریویی آشنا در حال تکرار است: «پکیج‌های دلالی»، یک

نکته جالب و در عین حال تلخ ماجرا این است که این بساط در اقتصادی برپا شده که دیگر رمقی ندارد. در حالی که دلار و سکه بالا و پایین می‌شود و مردم عادی برای یک لقمه نان در مضیق‌ه‌اند، در همین فوتبال پکیج‌های دلالی با قراردادهای میلیاردی دست به دست می‌شوند؛ انگار نه انگار باشگاه‌ها با بحران مالی دست و پنجه نرم می‌کنند یا بدهی‌های انباشته، آنها را تا مرز نابودی کشانده است.

باشگاه‌هایی که باید با وسواس به دنبال رفع نیازهای فنی خود باشند، گاه به خاطر روابط پشت پرده یا منافع شخصی برخی مدیران، اسبیر این پکیج‌های اجباری می‌شوند. نتیجه؟ پر شدن لیست بازیکنان از نفراتی که تنها برای پسر کردن جای خالی لیست آمده‌اند، نه برای جنگیدن در زمین. این بازیکنان که اغلب کیفیت لازم برای حضور در تیم‌های بزرگ را ندارند، فقط بار اضافه بر دوش تیم و هواداران هستند.

در این میان، فدراسیون فوتبال هم بیشتر از آنکه نقش ناظر سخنگیر را بازی کند، تماشاگر بی‌تفاوت ماجراست. نبود قوانین شفاف، عدم نظارت بر عملکرد

ایجنت‌ها و رها بودن بازار نقل و انتقالات، همه دست به دست هم داده تا دلالی و کلاهبرداری در فوتبال ما به یک شغل پردرآمد تبدیل شود.

اگر فوتبال ایران می‌خواهد روزی طعم حرفه‌ای‌گری را بچشد، باید با این چرخه معیوب مقابله کند. نظارت دقیق بر فعالیت ایجنت‌ها، صدور مجوز تنها برای افراد واجد شرایط، آموزش مدیران باشگاه‌ها برای دوری از معاملات مشکوک و البته شفاف‌سازی کامل قراردادهای

از جمله گام‌های ضروری نجات فوتبال ایران است. نقل و انتقال بازیکنان در ذات خود می‌تواند شور و اشتیاق به فوتبال ببخشد؛ می‌تواند تیم‌ها را قوی‌تر کند و لیگ را جذاب‌تر. اما وقتی این فرایند در چنبره فساد و رانت اسیر می‌شود، چیزی جز نابودی به بار نمی‌آورد. فوتبال ایران به جای آنکه پله‌ای برای پیشرفت باشد، با چنین سیاست‌هایی به قهقرا می‌رود.

پایان این مسیر روشن است؛ یا باید با شفافیت و قانون، دست دلالان را از فوتبال کوتاه کرد، یا باید به نظاره نشست که چگونه فوتبال ایران، قطرقطره آب می‌شود و جان می‌دهد، در بازاری که ستاره‌ها با نخاله‌ها یکجا به حراج گذاشته شده‌اند.

قمار نهایی زلنسکی؛ صلح به قیمت کناره‌گیری و رؤیای اروپایی

۴- **مانور تاکتیکی زلنسکی:** ممکن است این پیشنهاد صرفاً ابزاری برای فشار دیپلماتیک باشد و زلنسکی در عمل قصد کناره‌گیری نداشته باشد، مگر آنکه شرایط دقیقاً مطابق خواسته‌های او پیش برود.

■ **آخرین قمار یک رئیس‌جمهور تنها**

پیشنهاد زلنسکی برای کناره‌گیری، فارغ از نتیجه نهایی، نشان‌دهنده واقعیت تلخ امروز اوکراین است؛ کشوری گرفتار جنگ، بحران اقتصادی و تنش‌های داخلی، در میانه بی‌اعتمادی روزافزون متحدان خارجی.

زلنسکی که زمانی با تصویری از یک قهرمان ملی به میدان آمد، امروز در موقعیتی قرار گرفته که باید برای نجات پروژه ملی خود، بزرگ‌ترین فداکاری ممکن را پیشنهاد کند. اما معلوم نیست این قمار، شانس نجات اوکراین را افزایش دهد یا آن را به پرتگاه بی‌ثباتی عمیق‌تری بکشاند.

در هر صورت، یک چیز روشن است؛ پایان دوران زلنسکی، چه با استعفا و چه با سقوط سیاسی، دیگر دور از انتظار نیست و اوکراین برای عبور از این مرحله حساس، بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک راهبرد واقعی و حمایت موثر بین‌المللی است.

تحت فشار قرار دهد. همین نگرانی‌ها باعث شده حتی در فضای حمایتی کنونی، هیچ جدول زمانی دقیقی برای عضویت کامل اوکراین اعلام نشود.

■ **سناریوهای بیش رو**

اگرچه هنوز مشخص نیست پیشنهاد زلنسکی به چه سمتی پیش خواهد رفت اما می‌توان چند سناریوی احتمالی را در نظر گرفت:

۱- **موافقت مشروط غرب:** اتحادیه اروپایی و آمریکا ممکن است از پیشنهاد زلنسکی استقبال کرده و در ازای کناره‌گیری او، مسیر عضویت اوکراین را هموارتر کنند. در این حالت، احتمالاً یک دولت موقت غرب‌گرا جایگزین او خواهد شد.

۲- **رد ضمنی پیشنهاد:** غرب ممکن است بدون مخالفت علنی، عملاً این پیشنهاد را نادیده بگیرد، چرا که کناره‌گیری زلنسکی در شرایط کنونی می‌تواند با قدرت خطرناکی ایجاد کند و اوکراین را به هرج‌ومرج بکشاند.

۳- **تشدید بحران داخلی:** اعلام آمادگی برای کناره‌گیری می‌تواند مخالفان داخلی را جسورتر کند و به سرعت زلنسکی را در وضعیت سقوط سیاسی قرار دهد، بدون اینکه دستاوردی در زمینه صلح یا عضویت در اروپا حاصل شود.